

طرح اعطای بورس تحصیلی به دانش آموزان مناطق کم‌برخوردار

استاندار خوزستان با اشاره به طرح اعطای بورس تحصیلی به دانش آموزان مناطق کم‌برخوردار، گفت: «در صورت مشارکت خیرین و افراد توانمند خوزستان، ظرفیت طرح اعطای بورس تحصیلی به ۲ تا ۳ هزار نفر افزایش می‌یابد.» وی تصریح کرد: «پیش‌بینی شده با اعتبارات دولت به یک هزار دانش آموز که مستعد هستند و توانایی مالی کافی ندارند بورسیه تحصیلی بدهیم. در این طرح به هر دانش آموز سالیانه یک میلیون تومان کمک تحصیلی می‌شود تا دغدغهای در این زمینه نداشته باشند.»

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتاد و چهار

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹



خبریه‌ها در دنیا عموماً دارای کارکرد متفاوتی با بخشی از خبریه‌هایی هستند که در ایران فعالیت می‌کنند. اما اهداف خبریه در دنیا و ایران کاملاً منطبق بر هم است. خبریه‌ها برای رفع فقر و کاهش شکاف طبقاتی بنیان نهاده شده‌اند. خبریه‌ها در خارج از ایران دارای ساختار و کارکردی متفاوت است. به‌عنوان مثال، بنیاد «ملیندا گیتس» در آمریکا یک بنیاد آموزشی است. اهداف اصلی این بنیاد، افزایش تندرستی و کاهش تهی‌دستی در جهان و در آمریکا گسترش فرصت‌های آموزشی و دسترسی به تکنولوژی اطلاعات و داده‌هاست. این بنیاد سالیانه بسیاری از افراد را برای آموزش

بورسیه می‌کنند تا در مقابل دیگر افراد از فرصت‌های آموزشی برابر برخوردار باشند. فرصت برابر برای آموزش، از بهترین نوع و شیوه‌های آموزشی است که حلقه مفقوده بسیاری از خبریه‌ها در ایران است. «بانک گرامین» یکی دیگر از موسسات انسان‌دوستانه بزرگ دنیاست که ابتکار جالبی برای اعطای کمک‌های مالی به اقشار محروم در بنگلادش به کار برده است. فعالیت این بانک در حوزه اعطای وام‌های کوچک به افراد فقیری است که فاقد وثیقه، اشتغال پایدار و سابقه اعتباری قابل اثبات هستند. محمد یونس، مؤسس این بانک، نخستین وام را در سال ۱۹۷۶ پرداخت کرد. وی ۲۷ دلار از پولی را که داشت به ۴۲ نفر از روستائیان زنجیرساز منطقه «چویرا» قرض داد تا با این مبلغ کم، قادر به ادامه کار باشند. سپس به اعطای



کتابخانه

کارکنان حقوق و پاداش در نظر می‌گیرند. این نوع خبریه‌ها از فرصت‌ها و امتیازات بهینه برای اعضا استفاده می‌کنند. در حالی که در بنیادهای غربی، فرصت‌های برابر آموزشی و بهداشتی برای دیگران ایجاد می‌کنند. به هر روی ضرورت دارد خبریه‌ها در ایران در نگاه ساختاری و کارکردی بازنگری کنند و اهداف نهاده‌شده خبریه‌ها را در دنیا سرلوحه کار خود قرار دهند. خبریه‌ها نه دارای سرمایه اقتصادی هستند و نه توانسته‌اند سرمایه اجتماعی و مدنی را شکل دهند. در این میان، علاوه بر اعضای خبریه باید سازمان‌های مجوزدهنده و شهروندان هم نظارت را بیشتر کنند تا مسیر انحرافی به مسیر اصلی بازگردد. خبریه‌ها مراکزی انسانی هستند که این هدف غایی و تعالی باید از هر نوع انحراف، مصون بماند.

دکترای جامعه‌شناسی سیاسی

ترحم به جای فقرزدایی!

چرا بزرگ‌منشی نمی‌تواند و نباید به تنهایی جایگزین ساختارها و سیاست‌های رفاهی شود؟



کاهش فقر شوند، روی بقای فقر متکی بوده‌اند. بزرگ‌منشی، ترجم، کمک‌های معیشتی و زمین‌های اجاره‌ای، در طول تاریخ نه تنها به رف فقیر کمک نکرده، بلکه در طول سال‌ها به شکل‌گیری فقر به‌عنوان نهادی برای سیاست کنترل فقرا دامن زده است. همین موضوع بود که از دوران مشروطه به‌صورت دغدغ‌های برای کشندگان مدنی برای رهایی فقرا از انقیاد درآمده است. در این راستا می‌توان فقرا و آسیب‌دیدگان را، به‌جای بزرگ‌منشی و ترجم، از طریق نهادهای موثر و موفق رفاهی و مدنی به متن زندگی روزمره بازگرداند.

در جامعه‌ای که به جای حرکت‌های مدنی و سیاست‌های فقرزدا، بزرگ‌منشی پیشه شود، بیش از آنکه «اعتماد تعمیم‌یافته» و «رهایی» که جوهره موسسات مدنی‌اند ارزش باشد، «اعتماد» و «اتکا» (وابستگی)

به‌مثابه مقوله‌ای فردی موردتوجه قرار می‌گیرد. لذا ستاره‌های مشهور دنیا با شخصیت‌های کاریزمایی که دارند، اعتماد ستانده خود از مردم جذب نیکوکاری را در فرصت مناسب به موسسات خیریه یا سازمان‌های جهانی منتقل می‌کنند، اما در ایران نه زمینه مشارکت‌های عمومی و خلق سرمایه وجود داشته، نه اینکه اعتماد تعمیم‌یافته موردتوجه افراد مشهوری است که می‌توانند مشارکت مردم را جذب کنند. البته در این زمینه استثناهایی هم وجود داشته و دارد. در نتیجه، چیزی که می‌تواند موجب شکل‌گیری انسجام و نظم در فعالیت‌های مدنی و غیرانتفاعی شود، در جهت عکس آن عمل می‌کند. با روندی که برای مداخله‌های بزرگ‌منشانه شکل گرفته، بیم آن است که روزبه‌روز این نوع کنش توده‌ای سامان گرفته و رفته‌رفته و به تبعیت از سلب‌ریتی‌ها، هر شخصی بساط



نهادهای مدنی و یاربگر در ایران سابقه دیرینه‌ای دارند و شاید بتوان گفت یکی از برون‌دادهای انقلاب مشروطه، امکان توسعه فعالیت‌های جمعی خیرین و نیکوکاران ایرانی در جهت ساماندهی جامعه بوده است، اما این پیشینه نشان از یک رویکرد فکری نسبت به فقر و ضعیفان دارد که در عمدتاً رویکرد اصلی آن دستگیری و در اختیار گذاشتن منابع مالی بوده است. اما رویکردهای جدید و مدرن، در کنار اهمیت‌دادن به نقش نهادهای مدنی و خیریه‌ها بیشتر متکی بر سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اختصاص منابع عمومی برای ارتقای توانمندی‌های فقرا و ضعفا برای رهایی همیشگی از این حالت است.

اما اختلافاتی در خصوص اینکه چگونه این منابع مالی به کار بسته شوند، وجود دارد. از این نظر که می‌توان آن‌ها را به طرق مختلفی چون حمایت‌های مالیاتی، خدمات عمومی یا فعالیت‌های انسان‌دوستانه به کار بست. در این خصوص، نگاه به زمینه‌های سیاست‌گذاری، اغلب در ایران موردتوجه قرار نگرفته است. وقتی فعالیت‌های انسان‌دوستانه برای ارتقای وضع زندگی محرومان در انگلیس شروع شد، باعث شد دولت‌هایی روی کار بیایند که این خدمات را از محل درآمدهای مالیاتی ارائه کنند، اما این دولت‌ها در کنترل اوضاع مالی، موفق نبوده و متهم به ایجاد روحیه وابستگی در محرومان شدند.

سیاست دیگری، لازم می‌دانست، بسترهای رفاه اجتماعی را در برابرسازی فرصت‌ها در ارائه امکانات عمومی اعم از آموزش و بهداشت خلق کند. اما در آمریکا، سیاست اجتماعی محافظه‌کار به بازگرداندن سنت‌های حسنه نیکوکاری اتکا داشت تا به شکل گرفتن جنبشی در جامعه بینجامد که با خلق و توسعه سازمان‌های غیرانتفاعی موجب منسجم‌تر شدن مشارکت‌های عمومی می‌شد. از میوه همین مشارکت مردمی، سازمان‌های غیرانتفاعی تاجایی رشد کردند که ضمن ایجاد سرمایه مدنی، توانستند سهمی از گردش اقتصادی ملی را نیز به دست بگیرند. در همین فرصت است که مردم به رایزنی‌های عمومی می‌پردازند و این حوزه از برنامه‌های عمومی درآمدزا می‌شود. تکنولوژی‌های ارتباطی و نرم‌افزارهای جدید اینترنتی، مردم را به هم پیوند می‌دهد تا بتوانند از دورترین نقاط کشور با هم در ارتباط و هم‌فکری باشند و فعالیت مدنی کنند. همین موضوع موجب می‌شود رؤسای موسسات فناوری چون مایکروسافت و فیس‌بوک، بخشی از ثروت خود را به‌موسسات و نهادهای مدنی و خیریه اعطا کنند و در نهایت اقتصادبخشی را تقویت می‌کند که در آن به فعالیت می‌پردازند. با این نوع مشارکت خیریه، سرمایه مدنی مجدداً تقویت شده و اقتصاد این بخش نیز پویا می‌شود.

اما در ایران، شرایط برعکس است. نهادهای رفاهی، به‌رغم چالش‌های فراوان و ابهامات انبوهی که در زمینه حمایت‌های بیمه‌ای، بهداشتی و آموزشی داشته‌اند، جای خالی یک تجربه ارزنده فقرزدایی را تقدیم جامعه کرده‌اند تا زمینه لازم برای مداخله موسسات بعضاً کم‌تجربه و افراد

یادداشت

● مهتاب‌درافکن

نیکوکاری فقر برای ثروت

اغلب ما هنگام وقوع فجایع یا دیدن فقر شدید مردم، به‌ویژه کودکان، به یک چیز می‌اندیشیم؛ باید از رنج قربانیان بکاهیم، البته این فقط یک احساس مسئولیت روانی نیست، بلکه منشأ جسمانی دارد و کمک به خیریه، آن بخش‌هایی از مغز را که به پاداش و لذت مربوطند فعال می‌کند.

تحریک احساسات و مغز ما نسبت به رنج دیگران از یک‌سو و میل به دیده‌شدن و تظاهر از سوی دیگر، موجب شده نهادهایی به نام «خیریه» ابداع شوند که احساسات مردم نوع‌دوست را به‌صورت کمک‌های نقدی دریافت می‌دارند. این نهادها کمک‌های خیرین را مانند یک جعبه جادویی می‌پندارند که از طرفی در آن پول واردشده و از طرف دیگر خروجی مثبتی دارد. خیریه‌ها و مکانیسم جمع‌آوری اعانه و کمک‌کردن مردم، یک موضوع جذاب برای دانشمندان بوده و آن‌ها این موضوع را از جنبه‌های مختلف مطالعه کرده‌اند. مردم به دلایل و انگیزه‌های مختلف بخشش می‌کنند، اما عمدتاً آن‌ها بخشش می‌کنند تا هویتشان را تقویت کرده و احساس گناهشان را کاهش دهند و به تعبیری اعتبار اخلاقی را در ازای اهدای بخشی از ثروت خود دریافت می‌دارند.

بر همین اساس، «آدام اسمیت» عمل خیریه را به بهبود وجهه عمومی فرد نسبت داد، هرچند ریشه آن را می‌توان در «جمهوریت» افلاطون یافت. در جایی «گلاکون» به سقراط می‌گوید مردم فقط زمانی که بدانند در معرض نگاه‌های دیگرانند، اخلاقی رفتار می‌کنند. البته شواهد تجربی مانند پژوهش «ریلی» اقتصاددانان رفتاری دانشگاه «دوک» که انگیزهٔ تظاهر در نشان کمک به خیریه را بررسی می‌کرد، نشان داد که تظاهر چنان مهم‌اند که حتی بر انگیزه‌های مالی نیز چیره می‌شوند و این‌ها نشان می‌دهد که تظاهر یکی از انگیزه‌های اصلی نوع‌دوستی در زمانه ماست. بر همین اساس، وقتی ثروتمندان، سیاست‌مداران و سلب‌ریتی‌ها کمک‌هایی برای مردم فقیر اهدا می‌کنند، وسواس دارند که اسمشان و مبالغ کمک‌شان اعلام و رسانه‌ای شود، چراکه آن‌ها این اعتبار را خریداری می‌کنند. البته سوی دیگر ماجرا مردم فقیر هستند که چشم به این کمک‌ها دوخته‌اند. برخی از آن‌ها چنان به این کمک‌ها معناد می‌شوند که عملاً کار و تلاش را فراموش کرده و همواره در انتظار دست‌های بخشنده‌ای هستند که به آن‌ها کمک برساند و البته این عادت ناپسند نیز بخشی از هویت آن‌ها شده است. نمی‌توان به مردم گفت بخشش نکنند و نمی‌توان نیاز گروهی از مردم به بخشش دیگران را انکار کرد، اما آنچه مسلم است اهداف همه خیریه‌ها، کمک به مردم نیست، هرچند در جلو صحنه این طور به نظر می‌آید، اما پشت صحنه حکایت‌ها فرق می‌کند.

خطری که بسیاری از خیریه‌ها را تهدید می‌کند این است که فرایندهای آن‌ها می‌تواند دو نوع کالایی شدن را به همراه داشته باشد؛ مرتبه اول، کالایی‌شدن احساسات مردم نوع‌دوست و در مرتبه بعد، کالایی‌شدن نیازهای فقرا. کالایی‌شدن نیازهای فقرا بدین معنی است که برخی از ثروتمندان به خاطر منافی که برایشان وجود دارد، به آن‌ها کمک می‌کنند.

هرچه هست خیریه‌ها با ابعاد و اوصاف گوناگون در سطح محلی و جهانی در حال فعالیت‌اند و هرکدام برای خود، اهداف نوع‌دوستانه‌ای را مشخص کرده‌اند که بلندمدت یا کوتاه‌مدت است، اما اینکه این خیریه‌ها تا چه حد در کاهش فقر موثر هستند، چندان مشخص نیست، اما چیزی که مشخص است این است که علاوه بر اینکه سیستم افزایش خیریه‌ها دلیل بر وسعت و عمق فقر عمومی و نشان‌دهنده شکاف طبقاتی از یک‌سو، و نشان‌دهنده این نیز است که در صورت نبود سازوکارهای نظراتی دقیق، ممکن است فقرا ابزار خوبی برای تبلیغات، فرار از مالیات، شهرت و کسب سودهای کلان در قبال فروش اجناس کم‌کیفیت برخی از شرکت‌ها شوند.

جامعه‌شناس